

آنجا که خانه‌ام نیست



نویسنده:
محمد رضا سرشار
چاپ: ۱۳۹۶
انتشارات: سوره مهر
تعداد صفحات: ۱۴۴

این داستان حول پسران نوجوانی به گردش درمی‌آید که از شرایط زندگی خانوادگی خود راضی نیستند، احمد و جواد با پدر و مادر و تنها خواهرشان زندگی می‌کنند، پدرشان معتاد است و گاه و بی‌گاه مادر را به باد کتک می‌گیرد و البته اگر بچه‌ها دم دست باشند حال آنها را هم جا می‌آورد و حسام دوست جواد است، پسر مودبی که با پدر و نامردی‌اش زندگی می‌کند. این سه پسر تصمیم دارند وقتی که به اندازه کافی پول هایشان را جمع کردند بارشان را جمع کنند و به تهران بروند...

اگر بابا بمیرد



نویسنده:
محمد رضا سرشار
چاپ: ۱۳۹۹
انتشارات: سوره مهر
تعداد صفحات: ۳۲

کتاب «اگر بابا بمیرد» نخستین بار در سال ۱۳۵۷ با تأیید و تصویب شهید باهنر در دفتر نشر فرهنگ اسلامی چاپ شد. مجموع شمارگان این کتاب تاکنون به دویست هزار نسخه رسیده است. فیلم سینمایی «جاده‌های سرد» در سال ۱۳۶۳ از روی داستان همین کتاب ساخته شده است. این فیلم در جشنواره‌های متعدد خارجی به کارگردانی مسعود جعفری جوزانی و با بازی علی نصیریان به نمایش درآمد.

گرداب سکندر



نویسنده:
محمد رضا سرشار
چاپ: ۱۳۹۷
انتشارات: سوره مهر
تعداد صفحات: ۴۰

این کتاب داستان زندگی پسری به اسم عبدالله را روایت می‌کند که پدرش با وجود کار بسیار توان تامین مخارج زندگی خانواده‌اش را ندارد. به همین خاطر عبدالله تصمیم می‌گیرد تا با کار در یک کشتی بزرگ به پدر خود کمک کند. این داستان آموزنده و جذاب روایت زندگی خانواده‌ای است که در نزدیکی تنگه هرمز زندگی می‌کنند. آن‌ها بسیار فقیر بوده و ماهیگیری پدر کفاف مخارج زندگی‌شان را نمی‌دهد...

قصه گوی منتقد

محمد رضا سرشار نویسنده‌ای بود که در دو حوزه «خلق» و «نقد» نقش متفاوتی داشت

مرتضی بُریری نویسنده و منتقد

محمد رضا سرشار که او را به نام رضا رهگذر هم می‌شناسیم، حجم عمده‌ای از نوستالژی دهه شصت ایرانیان را به خود اختصاص داده است؛ شخصیتی که در دو حوزه «خلق» و «نقد» بسیار پرکار بود. گرچه بسیاری بر این عقیده‌اند که مساله «خلق» او همواره بر کنش‌های نقادانه‌اش چربیده است؛ چراکه همیشه در نقد رویکردی ایدئولوژیک داشته، اما به نظر می‌رسد که اتفاقاً همین مولفه باعث شده تا او در حوزه خلق هم درخشان عمل کند. یعنی اگر این سوپه ایدئولوژیک او نبود - سوپه‌ای که در نظام نقد او اثری جدی گذاشته و نباید هم ایرادی به آن گرفت؛ چراکه نقد ایدئولوژیک ادبیات فارغ از اینکه یک رویکرد نقادی در طول تاریخ و حتی مورد اقبال اندیشمندان برجسته بوده، همیشه قدم نخست برای نقد ساختاری هم بوده است. فراموش نکنیم که محتوا و ساختار همیشه رابطه‌ای دوسویه باهم داشته و بهترین آثار را آثاری پرشمرده‌اند که هماهنگی کامل میان فرم و محتوا داشته باشند - داستان‌های درخشان نیز خلق نمی‌شدند.

به‌واقع صحبت از محمد رضا سرشار است که در خاطره نوستالژیک ما همیشه برند «رضا رهگذر» در قصه ظهر جمعه را تداعی کرده است. او به سال ۱۳۳۲ در کازرون به دنیا آمد. به دلیل شغل پدرش سال‌های مدرسه را در شهرهای شیراز، تبریز، بوشهر، ارومیه، اصفهان و جهرم گذراند. خود نوشته است که از کودکی علاقه بسیاری به مطالعه به‌ویژه آثار مذهبی داشت. پس از گرفتن دیپلم از سال ۱۳۵۱ و در کسوت سرباز سپاهی دانش، شهرهای گرگان، میندوآب و جهرم را زیر پا گذاشت و بر مشاهدات خود از کشور تحت حکومت پهلوی افزود. از همین دوران قصه‌نویسی را آغاز کرد. سال ۱۳۵۴ نیز در کنکور دانشگاه قبول شد، برای تحصیل در

رشته مهندسی صنایع در دانشگاه علم و صنعت به تهران آمد و همزمان نیز به تدریس در مدارس تهران پرداخت. آن سال‌ها کشور در تب‌وتاب انقلاب بود و طبیعی هم بود سرشار که ایران تحت حکومت پهلوی را «مشاهده» کرده بود در صف انقلابیون قرار گیرد و به‌تبع آن روزهایی از زندگی‌اش را در زندان و حبس بگذراند. به همین دلیل تحصیل سرشار به درازا کشید و در سال ۶۱ پس از گذراندن واحدهایی به اندازه فوق دیپلم از ادامه آن انصراف داد. پس از آن به دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران رفت و رشته نمایشنامه‌نویسی را آغاز کرد. در این رشته از نخبگان دانشگاه بود و به تأیید رئیس وقت گروه تئاتر مشمول بورسیه ادامه تحصیل در انگلستان شد، اما سرشار از این نیز انصراف داد تا تمام‌وقت به قصه‌گویی در رادیو، قصه‌نویسی و تربیت شاگرد مشغول شود که حاصل آن بیش از ده‌ها عنوان کتاب است که افتخارات بسیاری از جمله کتاب سال، کتاب تقدیری وزارت ارشاد، لوح زرین و دیپلم افتخار جشنواره کتاب کودک و نوجوان کانون پرورش فکری، جایزه قلم زرین، جایزه ادبی شهید غنی‌پور و بسیاری جوایز دیگر را کسب کرد.

«اگر بابا بمیرد» یکی از اولین آثار داستانی منتشرشده رضا رهگذر است. نخستین چاپ آن به سال ۱۳۵۷ بازمی‌گردد و پیش از هر چیز راوی رنج‌های مناطق دورافتاده از مرکز ایران در سال‌های حکومت پهلوی است. قصه مردمی که بر اثر ساده‌ترین رخدادهای طبیعی (مثل بارش برف) همه ارتباط خود را با جهان از دست داده و در فلاکت خانه‌های خود مدفون می‌شوند. روستای «شکوکندی» در این داستان بر اثر شدت بارش زیر برف مدفون شده و مردم به ناچار زیر کرسی‌های خود پناه برده‌اند و توانایی انجام هیچ کاری را ندارند. قهرمان این قصه پسری به نام اسماعیل است که باید خود را به شهر برساند تا برای پدرش که سینه‌پهلو کرده دارو بخرد. اما راه بسته است، برف به‌شدت می‌بارد و صدای زوزه گرگ‌ها نیز اصلاً

قطع نمی‌شود. اثر مشهور دیگر سرشار در آن سال‌ها «گرداب سکندر» نام دارد. این اثر داستان پسری به نام عبدالله را روایت می‌کند که در یک کشتی بزرگ مشغول به کار است تا کمکی به پدر اتفاقاً پرکارش برای تامین مخارج خانه کرده باشد، پدری که با وجود تلاش بسیار، درآمد چندانی ندارد. اما بیماری آبله فراگیر می‌شود و پدر عبدالله از دست رفته و خودش نیز نابینا می‌شود. عبدالله در نابینایی روش دیگری در مواجهه با هستی پیدا کرده و این روش او را بدل به دریانوردی توانمند (در عین نابینایی) می‌کند.

سرشار آثار خود در آن دوران را به مساله‌هایی اختصاص داده بود که در جهان واقع اصالت داشتند. به عبارتی هرچند که جهان علی و معلولی داستان از زاویه ذهن نویسنده‌ای به نام محمد رضا سرشار روایت شده بود، اما به‌رحال عناصر داستان در جهان واقع نیز اصالت داشت و آن دوران همه با چشم‌های خود اسماعیل‌ها، عبدالله‌ها و... را در جامعه می‌دیدند.

توجه به رئالیسم یک کارکرد مهم از ادبیات را به اذهان متبادر می‌کند و آن وجه «تبلیغی» بودن ادبیات است. وجه «تبلیغی» در واقع صورت تحول یافته وجه و کارکرد «تعلیمی» ادبیات محسوب می‌شود که این کارکرد یادگاری افلاطون به حوزه ادبیات است. معتقدان به این وجه، ادبیات را به دلیل کارکردهایش می‌خواهند و همه عناصر را در خدمت این وجه می‌دانند. به‌واقع ادبیات باید کارکردی داشته باشد و مهم‌ترین کارکردش تربیت اجتماع و نفوس انسان‌هاست. در این نگاه رویکرد «هنر برای هنر» به‌شدت نفی و طرد می‌شود.

سرشار از نگارش داستان‌های رئالیستی به نگارش داستان و شاید بتوان گفت داستان‌های مرتبط با زندگی پیامبر اسلام می‌رسد. این نگارش نیز در امتداد رویکرد تعلیمی به ادبیات است. به باور او زندگی پیامبر سرشار از قصه‌هایی است که می‌توان آن را برای کودکان و نوجوانان روایت کرد. در پرداختن به این سوژه،